

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید گفتگوی ما در ارتباط با اجزاست، نسبت به کسی که امتثال اضطراری می کند مثلاً تیمم می کند و نماز می خواند تقیه می کند مطابق تقیه و وظیفه اش را انجام می دهد یا مثلاً نماز را عریاناً می خواند و... به اندازه کافی به گمان خودمان تتبع کردیم؛ کلمات آقای آخوند، حکیم، خوبی، عراقی و... را مطرح کردیم. به نظر ما همین مقدار کفایت می کند.

امروز وارد آخرین مرحله این مساله می شویم یعنی باید مرحله تحقیق را پشت سر بگذاریم؛ ما تحقیق را در ضمن چند شماره مطرح خواهیم نمود.

توجه داشته باشید ما دو مساله در اینجا داریم. 1. بدار است یعنی اگر عذری پیش آمد، در همان اول وقت تکلیف را انجام دهد؛ در مقابل بدار، لزوم تاخیر است؛ بحث بدار یک بحث طویل الذیلی است که علما آن را مطرح کرده اند؛ اگر موردی هم مطرح شود جایگاه بحثش در علم فقه است نه علم اصول 2. بحث اجزا، در اجزا هم سه قول مطرح است 1. اجزا مطلقاً 2. عدم اجزا مطلقاً 3. اجزا نسبت به خارج از وقت و عدم اجزا نسبت به داخل وقت توجه داشته باشید بدار و اجزا ملازمه ندارند ممکن است کسی بدار را جایز بداند اما اجزا را نپذیرد.

بیان نکات

1. ما در مساله اضطرار (با تمرکز بر آیه تیمم و وضو) گاهی ما مساله را به دست عرف می دهیم یعنی باید ببینیم عرف، چه قضاوتی نسبت به ادله می کند یعنی برخوردمان با ادله یک برخورد عرفی باشد مثلاً آیه وضو را «اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهکم...» به عرف می دهیم آیات راجع به تیمم را هم به عرف می دهیم می گوئیم جناب عرف، شما ادله را مدیریت کن. می دانید که در فهم ادله و مدیریت ادله، عرف معیار است و در این نظر احدی اختلاف ندارد.

به عرف می گوئیم جناب عرف، ما تا زمانی که آب داریم نماز با تیمم صحیح نیست و نماز با تیمم هم برای مضطر قرار داده شده است به عرف می گوئیم بدان احکام اضطراری میسور از احکام اختیاری حساب می شود و... سپس از عرف می پرسیم اگر کسی فقط در چند دقیقه اول وقت اضطرار دارد اما در ادامه وقت اضطرار ندارد؛ نماز هم طبیعتی است که می توان آن را در چندین ساعت اتیان کرد و... نظر تو عرف چیست؟

به نظر ما اگر این داده ها را به عرف بدهیم جواز بدار را نمی پذیرد.

وقتی ما ادله را نگاه می کنیم وقتی اقتضائات عرفیه را می بینیم عرف در داخل وقت قائل به اجزا نمی شود. چنانکه اکتفا به بدار را نیز نمی پذیرد.

وقتی می گوئیم بر شخص واجب است صبر کند و بدار جایز نیست این وجوب، وجوب طریقی است و واجب تعبدی دارای ثواب و عقاب نیست.

اما در خارج از وقت، وقتی ما ادله را نگاه می کنیم اینکه کسی تا آخر وقت صبر کند و آخر وقت آب پیدا نکند و نماز بخواند و بعد وقت بگوئیم قضا کن این از نطاق آیات به دور است.

ذیل آیه 6سوره مائده : ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم

اگر آب ندارید اگر آب برای شما ضرر دارد ما که نمی توانیم شما را به حرج بیندازیم تیمم بکنید (قید صعیداً طیباً را هم می آورد

تا بفرماید شما بر روی چیز طیب و طاهری دارید تیمم می کنید)

به نظر شما اگر کسی ذیل آیه را نگاه کند می تواند نسبت به خارج از وقت قائل به عدم اجزاء شود؟
یا در آیه 43 سوره نساء پس از بیان حکم تیمم می فرماید: ان الله كان عفوا غفورا آیا این با عدم اجزاء در خارج وقت تناسب دارد؟

به نظر ما بین اعاده در وقت و قضا در خارج وقت باید فرق بگذاریم؛ کسی که چند دقیقه ابتدایی وقت آب ندارد را عرف مضطر تلقی نمی کند. ما باید ادله مبدل(آیات وضو) و ادله بدل (آیات تیمم) را باید به عهده عرف بسپاریم یعنی عرف باید هم در فهم ادله و هم در مدیریت ادله ایفای نقش کند.

البته برخی از بزرگان اصول، به گمان ما این راه را نرفته اند و به راههای غیر عرفی تمسک کرده اند.

محقق عراقی: دو دستگاه در این مساله درست کرده است. یک دستگاه را به دلیل مبدل اختصاص داده است. دلیل مبدل (اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهكم ...) فاغسلوا اطلاق هم دارد یعنی اگر آب برای شما ضرر ندارد باید وضو بگیرید لذا اگر کسی سوال کند من فقط ده دقیقه اول وقت آب ندارم و... چه کنم؟ فاغسلوا می گوید صبر کن وضو بگیر. دستگاه دوم اختصاص به دلیل بدل دارد. ایشان می فرماید: ما باید ظهور فاغسلوا را نگاه کنیم ظهور ادله تیمم را هم نگاه کنیم بعد ببینیم کدام مقدم است؟

محقق عراقی می فرماید: اگر ظهور فاغسلوا شمولی باشد اما ظهور دلیل تیمم به اطلاق و مقدمات حکمت باشد ظهور شمولی مقدم می شود. شمولی یعنی کسی را که اصلاً عذر ندارد شامل می شود کسی که اول وقت عذر دارد و بعد عذرش برطرف می شود را هم شامل می شود.

اما آیه تیمم، ظهورش به مقدمات حکمت است. یکی از مقدمات حکمت این است که دلیل بر خلاف نباشد و اطلاق شمولی دلیل بر خلاف است لذا آیه وضو شامل کسی که اول وقت عذر دارد اما در ادامه عذر ندارد می شود. ایشان می فرماید: ظهور ادله وضو مقدم است چرا که ادله وضو، ظهورش شمولی است به خلاف ادله تیمم که ظهورش اطلاق و به مقدمات حکمت است. عبارت محقق عراقی: رِمَا يعارض هذا الظهور ظهور قوله سبحانه: «إذ قمتم إلى الصلاة فاغسلوا وجوهكم إلخ» فان ظاهره هو كون الطهارة المائية بخصوصيتها دخیلا في المطلوب لا بما أنّها مصداق لجامع الطهور و ان ما هو الشرط هو الجامع بين الطهارة المائية و الطهارة الترابية كي يكون الأمر بالخصوصية في حال وجدان الماء إرشادا إلى حصر مصداق الجامع في هذا الحال بهذا المصداق، ضرورة ان ذلك كله خلاف ما يقتضيه ظاهر الأمر بالخصوصية، و حينئذ فإذا كان كذلك يلزمه لا محالة أيضا قيام المصلحة بالخصوصية لا بالجامع بين الفردين، و إلا فيستحيل تعلق الإرادة و الطلب بالخصوصية مع فرض قيام المصلحة بالجامع. و على هذا فيتحقق التنافي بين هذا الظهور و بين ظهور مثل قوله صلى الله عليه و آله و سلم: التراب أحد الطهورين، بناء على ما قربناه من ظهوره و لو بالإطلاق في فردية التيمم لما هو الطهور المأمور به في الصلاة و وفائه بجميع ما يفى به الطهارة المائية من المصلحة، و في مثله لا بد من تقديم ظهور قوله سبحانه من الأمر بالغسل على ظهور دليل التيمم لمكان أفضلية ظهوره من ظهوره لكونه ظهورا وضعيا و هذا ظهور إطلاقي ناش من مقدمات الحكمة، و حينئذ فيرفع اليد عن حجیة ظهور دليل التيمم في حيث وفائه بتمام المصلحة بدليل الأمر بالغسل، لا عن أصل ظهوره ...
اگر تعارض بین عام و اطلاق بشود می گویند ظهور عام چون بالوضع است مقدم بر ظهور اطلاق که به مقدمات حکمت است می باشد.

به نظر شما آیا مخاطبان این دو آیه، صحبت های محقق عراقی را متوجه می شوند؟!

بعضی وقت ها علمای ما شب ادله را وسط می گذارند و ادله را مدیریت می کنند سپس اسم این کار را می گذارند ظهور عرفی ... چون اگر به ظهور عرفی نرسد فایده ای ندارد.

ما قبول نداریم که در تعارض اطلاق شمولی و اطلاق به مقدمات حکمت اطلاق شمولی همیشه مقدم شود باید دو دلیل را به دست عرف بسپاریم ببینیم عرف چه برداشتی می کند.

مثلاً در مانحن فيه باید از عرف بپرسیم جناب عرف ما یک دستوری در مورد وضو داریم و یک دستوری در مورد تیمم داریم نظر تو چیست؟ عرف می گوید آیه وضو مقدم بر آیه تیمم است.

استاد: من احتمال نمی دهم کسی در اوامر اضطراری قائل به عدم اجزاء در خارج از وقت شود.

نکته: من با محقق عراقی اختلاف در مشی دارم و اختلاف این است که آیا ما مدیریت ادله را به دست عرف بسپاریم یا به دست قواعد اصولی بسپاریم.

سوال: شما با این توضیحاتی که می دهید برای عرف ذهنیت ایجاد می کنید؟

پاسخ: ما برای عرف، ذهنیت ایجاد نمی کنیم ما موضوع را برای عرف، شرح می دهیم؛ به عرف می گوییم این آیه وضو است این آیه تیمم است نماز هم وقت موسعی دارد و... شما نظر بدهید. ما در اینجا موضوع را برای عرف تبیین می کنیم نه اینکه ایجاد ذهنیت کنیم.

در احکام عقلیه هم همین طور است در احکام عقلیه، ما موضوع را به دست عقل می دهیم و می گوییم این سم است برخی ها را کشته، برای برخی ها دارو بوده و... من استفاده بکنم یا نکنم؟ این ایجاد ذهنیت نیست بلکه تبیین موضوع است. استاد: با توجه به اضطراری بودن حکم و اینکه اضطرار در صورتی صادق است که مستوعب وقت باشد و... نوبت به شمولی و بدلی نمی رسد.

الحمد لله رب العالمین